



اصطلاحات مفهیم بیمه (۱۳)

مرور زمان

● Proximate Cause

● دکتر غلامحسین جباری

علت نزدیک و مؤثر خسارت

● Rescriptio

● دکتر محمد هوشنگی

Proximate Cause

علت نزدیک و مؤثر خسارت

می‌گردد که آیا بیمه‌گر متعهد به جبران خسارت می‌باشد یا نه؟ بدیهی است چنانچه به گل نشستن به علت عملیات جنگی مثلاً اصابت موشک واقع شود بیمه‌گر تعهد ندارد. اما در اینجا عملیات جنگی به طور مستقیم در حادثه دخالت نداشته، البته بی‌تأثیر هم نبوده زیرا اگر جنگی در بین نبود کشتی تغییر مسیر نمی‌داد و چه بسا حادثه به گل نشستن هم واقع نمی‌شد.

این مثال و مثال‌های دیگری که می‌توان ذکر کرد مبین این است که در جریان سفر کشتی و حمل کالا ممکن است حوادث چندی هم زمان یا یکی پس از دیگری به وقوع پیوسته و موجب بروز خسارت به کشتی یا کالا شود به گونه‌ای که بعضی از آنها حادثه دریا بوده و تحت پوشش بیمه باشد و برخی دیگر حادثه دریا یا به طور کلی خطر تحت پوشش بیمه نباشد.

در اینجا اضافه می‌کنیم که گاهی در بیمه‌نامه خطرهای تحت پوشش بیمه به صورت مشخص قید می‌شود. (بیمه‌نامه‌های باربری کالا با شرایط B و C) و زمانی کلیه خطرهای تحت پوشش بیمه می‌باشد به جز موارد استثناء شده (بیمه باربری کالا با شرایط A). موضوع علت نزدیک و مؤثر خسارت در هر دو نوع این بیمه‌ها مطرح است. اختلاف این دو نوع بیمه از نظر حقوقی اثبات تعهد یا عدم تعهد بیمه‌گر است. در بیمه‌نامه‌های B و C چنانچه خسارت وارد به موضوع بیمه معلول چند عامل باشد که تنها یک عامل علت نزدیک و مؤثر خسارت محسوب گردد اثبات آن به عهده بیمه‌گذار خواهد بود. در حالی که در بیمه‌نامه با شرایط A بیمه‌گر به صرف اعلام بیمه‌گذار مبنی بر این

در رابطه با خطرات تحت پوشش بیمه، به ویژه در بیمه حمل و نقل گاهی حوادث متعددی به وقوع می‌پیوندد که این حوادث یا با یکدیگر هم‌زمانند و یا یکی پس از دیگری واقع شده و در مجموع موجب تلف و یا آسیب دیدگی موضوع بیمه می‌شوند و این در حالی است که تمامی این حوادث تحت پوشش بیمه قرار ندارند. در چنین وضعیتی این مسئله مطرح می‌شود که کدام یک از این حوادث علت مستقیم و مؤثر در بروز خسارت می‌باشد. اگر آن علت تحت پوشش بیمه باشد خسارت قابل پرداخت است و چنانچه عامل دیگری علت نزدیک و بلافصل خسارت محسوب گردد بیمه‌گر تعهدی نسبت به جبران خسارت نخواهد داشت. اصطلاح Proximate Cause ناظر به چنین وضعیتی است و منظور این است که هرگاه دو یا چند حادثه منشأ خسارت وارد شده به موضوع بیمه باشند در تشخیص این که آیا خسارت تحت پوشش بیمه می‌باشد یا نه، علت نزدیک و مؤثر خسارت ملاک خواهد بود. ضمناً منظور از نزدیک بودن نیز الزاماً نزدیک از نظر زمانی نیست بلکه از نظر تأثیرگذاری است.

مثال زیر مطلب را روشن می‌کند: یک کشتی در مقابل حوادث دریا بیمه می‌شود و می‌دانیم خطر به گل نشستن کشتی از جمله حوادث دریاست، لکن خطر جنگ جزء حوادث عادی دریا محسوب نمی‌شود و پوشش آن نیاز به شرایط خاص و حق بیمه اضافی دارد. حال اگر فرمانده کشتی به علت وجود عملیات جنگی در منطقه و به منظور پیشگیری از صدمات ناشی از جنگ مسیر عادی خود را تغییر دهد و در اثنای آن کشتی دچار حادثه به گل نشستن شود، این سوال مطرح

که خسارت در نتیجه حادثه‌ای ایجاد شده که وی آن را علت نزدیک و بلافاصل خسارت می‌داند موظف به جبران خسارت می‌باشد مگر این که بیمه‌گر خلاف آن را به اثبات برساند.

به هر حال آنچه محقق به نظر می‌رسد این است که اگر خسارت در نتیجه وقوع یک حادثه مشخص و شناخته شده وارد شود و عوامل جنبی در آن تاثیر چندانی نداشته باشد اثبات تعهد یا عدم تعهد بیمه‌گر نسبت به جبران خسارت امر مشکلی نخواهد بود و وجه مطلوب نیز این است که بیمه‌نامه به صورتی تنظیم شود که از نظر تعهدات بیمه‌گر ابهام نداشته باشد. با این حال ممکن است به مواردی برخورد کنیم که تنها یک حادثه شناخته شده و مستقل از عوامل دیگر موجب بروز خسارت نیست بلکه اتفاقات متعدد دخالت دارد.

به طور کلی در تشخیص علت مستقیم و بلافاصل خسارت دو معیار می‌تواند نقش اساسی داشته باشد. یکی معیار زمان است. به این معنی که بین حوادث مختلفی که به دنبال هم واقع می‌شود آن حادثه که به معلول نزدیکتر است ملاک قرار گیرد. در این صورت حوادث دورتر نادیده گرفته می‌شود.

دوم معیار تأثیرگذاری است. و این در مواردی می‌باشد که چند حادثه هم زمان و یا با فاصله زمانی کوتاه واقع می‌شوند در این صورت آن حادثه‌ای که بیشتر در بروز خسارت مؤثر بوده Proximate Cause محسوب می‌گردد.

ویکتور داور در کتاب بیمه حمل و نقل خود^(۱) نظر دکتورین را در قضیه مورد بحث در سه حالت به شرح زیر بیان کرده است:

۱- حالت اول این است که چند عامل به طور مشترک در بروز خسارت دخالت دارد. در این صورت عاملی باید ملاک عمل قرار گیرد و به عنوان Proximate Cause تلقی شود که به عوامل دیگر غلبه داشته و در بروز خسارت بیشتر مؤثر باشد. در نتیجه اگر آن عامل جزء حوادث مشمول بیمه باشد جبران خسارت در تعهد بیمه‌گر است و الا بیمه‌گر تعهدی نخواهد داشت و لو این که عوامل دیگر جزو حوادث مشمول بیمه باشد.

۲- در حالت دوم چند واقعه به دنبال علت اولیه حادثه به صورت اجتناب‌ناپذیری به وقوع می‌پیوندند و موجب بروز یا تشدید خسارت می‌شوند. در این صورت اعم از این که وقایع بعدی جزء حوادث مشمول بیمه باشد یا نباشد چنانچه علت اولیه حادثه مشمول بیمه باشد جبران کل خسارت در تعهد بیمه‌گر است و در غیر این صورت بیمه‌گر تعهدی نخواهد داشت.

۳- در حالت سوم چند واقعه به دنبال هم واقع می‌شود منتهی نه به صورت غیرقابل اجتناب بلکه با فاصله زمانی و بدون این که حادثه بعدی معلول حادثه قبلی باشد. در این صورت چنانچه حادثه جدید در بروز خسارت بیشتر مؤثر بوده و عوامل قبلی را تحت تاثیر قرار داده باشد تنها این حادثه باید ملاک عمل قرار گیرد و لذا چنانچه این حادثه تحت پوشش بیمه باشد خسارت قابل پرداخت است و در غیر این صورت بیمه‌گر تعهدی نخواهد داشت. در این حالت به مسئله زمان توجه شده است.

یعنی علتی به عنوان علت مستقیم و بلافاصل خسارت ملاک عمل قرار گرفته که از نظر زمانی به معلول خود یعنی خسارت وارده نزدیکتر بود و به علت‌های دور توجه نشده است.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که در حالات مختلف تشخیص علت نزدیک و مؤثر خسارت باید بر اساس ملاحظات فوق صورت گیرد و لذا چنانچه قرار باشد تعریفی برای Proximate cause ارائه شود آن طور که ویکتور داور در کتاب فوق‌الذکر از دید دکتورین بیان داشته است تعریف به این صورت خواهد بود:

«منظور از علت نزدیک و مؤثر خسارت علتی است که نه لزوماً از نظر زمان بلکه از نظر تأثیرگذاری علت اصلی و نزدیک خسارت باشد. علت‌های دورتر را می‌توان مورد توجه قرار نداد. لکن دکتورین باید توأم با حسن نیت باشد و جنبه پشتیبانی از انگیزه و نظر واقعی طرفین قرارداد را به خود بگیرد، نه نفی ارتباط بین خسارت وارده و علت ایجاد آن. در صورتی که بین علت اولیه و وقوع حادثه و خسارت وارده عامل جدیدی پدید آید، این عامل به شرطی که ویژگی واقعیت، عاملیت و تاثیرپذیری داشته باشد نباید آن را مکمل علت‌های قبلی به شمار آورد.»

اینک برخی از آراء محاکم انگلستان که درباره موضوع مورد بحث صادر شده است را از کتاب ویکتور داور نقل می‌کنیم.

- یک کشتی در حین سفر با هوای نامساعد (Heavy Weather) مواجه می‌شود و صدمه می‌بیند و مجبور می‌شود جهت تعمیر به بندر اضطراری مراجعه نماید. فرمانده کشتی در این بندر به منظور تعمیر کشتی مقداری از کالاهای موجود در آن را به فروش می‌رساند. طبق رای صادره خسارت ناشی از فروش کالا عدم بضاعت مالی تلقی می‌شود نه حادثه دریا (دعوای پاول علیه گودجان ۱۸۱۶).

- در یک حادثه توفان، اسب‌های محموله کشتی که از این حادثه وحشت‌زده شده بودند موجب مرگ یکدیگر می‌شوند. طبق رأی دادگاه خسارت وارده ناشی از حادثه دریا اعلام شده است (دعوای گایونا علیه بیمه لویوز ۱۸۲۵)

- زبانی که به علت ترس از بروز خسارت به موضوع بیمه وارد شود و به حادثه دریا ارتباط نداشته باشد. در یک حمل دریایی قسمتی از محموله چای دچار آبدیگی می‌شود. مسئولان کشتی از ترس این که ممکن است بقیه محموله نیز دچار چنین خسارتی شود آن را به قیمتی کمتر از قیمت بازار به فروش می‌رسانند. طبق حکم دادگاه این زیان (زیان ناشی از فروش به ضرر) ناشی از حادثه دریا تلقی شده است.

(دعوای کاتور علیه شرکت Great Western نیویورک ۱۸۷۳)
- در دعوای شرکت هامپلتون علیه شرکت پاندورف ۱۸۸۷، دادگاه نظر داده است که خسارت آبدیگی محموله برنج کشتی، که به علت

بلافاصل خسارت و مفاهیم بیمه‌ای

مرور زمان

(Rescription)

یعنی کسی ملزم نیست که با استناد به مرور زمان یک دعوا را از جریان دادرسی خارج کند بلکه اختیاری است که او دارد و می‌تواند از آن صرف‌نظر نماید.

حال پس از این مقدمه موضوع مرور زمان را در دعاوی بیمه‌ای مورد توجه قرار می‌دهیم. مرور زمان در معاملات بیمه‌ای براساس یک عرف بین‌المللی و به حکم ماده ۳۶ قانون بیمه ایران دو سال و شروع آن از «تاریخ وقوع حادثه منشأ دعوی» می‌باشد. در قراردادهای بیمه‌ای برای مرور زمان شرایط و مدت خاصی معین کرد. در ایران، به خصوص پس از آنکه در اصلاحات مرور زمان قانونی تردید به وجود آمد، بیمه‌گران آن را در متن قراردادهای بیمه با صراحت قید می‌کنند و لذا مادر وضعیتی هستیم که بایستی به مرور زمان احترام بگذاریم.

اما مطلب بسیار مهمی در مرور زمان اعم از قانونی و یا قراردادی وجود دارد و آن مبدأ محاسبه مرور زمان است. در قانون بیمه ایران و هم‌چنین در قراردادهای بیمه قید می‌شود از «تاریخ وقوع حادثه منشأ دعوی». از آنجا که معمولاً خسارت‌های مورد ادعا نتیجه وقوع یک حادثه (مثل آتش‌سوزی، زلزله، تصادف وسایل نقلیه، فوت و نظایر آنها) می‌باشد بعضی مجریان در شرکت‌های بیمه تصور می‌کنند که پس از گذشتن دو سال از تاریخ حادثه با تعبیر فوق دیگر مرور زمان حاصل شده و استناد به آن ممکن است.

اما باید گفت که منظور قانون و حتی شرط قراردادهای بیمه از «حادثه منشأ دعوی» حادثه یا خطر منشأ خسارت نیست زیرا دعاوی بیمه‌ای منحصر به موضوع خسارت نیست و ممکن است اختلاف بین بیمه‌گر ناشی از شمول خطرات و یا پرداخت حق بیمه و یا نحوه پرداخت آن و یا آثار تأخیر در پرداخت آن باشد. بنابراین حادثه منشأ دعوی هر امری است که موجب اختلاف بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار شده باشد و دعاوی حقوقی در مراجع قضائی به منظور حل و فصل این اختلاف مطرح شده باشد. لذا اگر حادثه‌ای هم واقع نشده باشد امکان طرح دعوی و نیز امکان استناد به مرور زمان وجود دارد.

البته این امر در قراردادهای بیمه که طبق روال جاری در ایران یکساله هستند کمتر مطرح می‌شود ولی در بسیاری کشورهای دیگر بیمه‌نامه‌ها برای مدت دراز مثلاً ده ساله صادر می‌شوند و بیمه‌گذار ملزم به پرداخت حق بیمه سالانه است. در کشور ما نیز بیمه عمر و بیمه مهندسی طرح‌های ساختمانی و یا نصب ماشین‌آلات و بعضی بیمه‌های مسئولیت مدت طولانی دارند و امکان بروز اختلاف بر سر مسئله‌ای غیر از خسارت وجود دارد. بنابراین مرور زمان مربوط به اینگونه دعاوی از تاریخی است که اختلاف مطرح می‌شود. به عبارت دیگر حادثه منشأ دعوی تاریخ بروز و طرح اختلاف است نه تاریخ وقوع خطر موضوع بیمه.

مطلب مهم‌تر در موضوع مرور زمان حقوق اشخاص ثالثی است که ذینفع بیمه هستند و در بیمه‌هایی از قبیل عمر و حادثه شخصی مصداق پیدا می‌کند. ذینفع در این بیمه‌نامه‌ها کسی غیر از بیمه‌گذار است. آیا

نفوذ آب از سوراخی که موش در کشتی ایجاد کرده بود، از موارد حادثه دریا می‌باشد. عمومیت این حکم بعداً مورد انتقاد عده‌ای از صاحب‌نظران قرار گرفت. طبق نظر مخالفان چنانچه سوراخ موش در پایین خط شاهین یعنی در قسمتی از کشتی که داخل آب است به وجود آید و موجب نفوذ آب به انبار کشتی شود، علت بلافصل خسارت موش خوردگی است نه آبدیدگی. ولی اگر سوراخ در بالای خط شاهین پدید آید و سپس به علت وجود سوراخ و در اثر تلاطم دریا (Heavy Weather) آب به داخل انبار نفوذ کند این امر حادثه دریا خواهد بود. البته به نظر می‌رسد رای دادگاه با موازین فنی - حقوقی و عرف بیمه بیشتر تطبیق دارد.

مرور زمان موضوعی حقوقی است که در قوانین و هم‌چنین در بسیاری قراردادهای مطرح می‌شود و نمی‌توان آن را اصطلاح فنی بیمه تلقی کرد. ولی از آنجا که اعمال و استفاده از آن در روابط بیمه‌ای با مسائل فنی بیمه مواجه می‌شود لذا به نظر رسید که نسبت به این موضوع حقوقی از دید بیمه، در رابطه بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار و استفاده‌کنندگان از قراردادهای بیمه بحثی مطرح شود.

به اختصار می‌توان گفت که مرور زمان وسیله‌ای است در اختیار طرفین یک قرارداد که با استفاده از آن می‌توانند دعاوی مربوط به زمان‌های دور را از جریان دادرسی خارج کنند. به این ترتیب هم دو طرف قرارداد پس از گذشتن مرور زمان نگران اقامه دعوی از سوی طرف معامله خود نخواهند بود و هم مراجع قضایی گرفتار دعاوی مربوط به زمان‌های گذشته که معمولاً مدارک آن نیز ناقص و رسیدگی و تصمیم‌گیری درباره آنها برای قاضی مشکل است نخواهند شد. به عبارت دیگر مرور زمان از تعداد دعاوی مشکل و کم اهمیت می‌کاهد زیرا اگر مورد ادعا ارزش و اهمیت زیادی داشته باشد طرف ذینفع در زمان مناسب اقامه دعوی می‌کند نه پس از گذشتن مدت زمان طولانی و به این ترتیب از بار دستگاه‌های قضایی نیز می‌کاهد.

البته به اصل مرور زمان انتقادی اصولی نیز وارد است و آن اینکه حق به هیچ ترفندی ضایع و ساقط نمی‌شود، لذا مرور زمان و یا هر تدبیر دیگری نپایستی مانع رسیدگی به دعاوی حقه، حتی اگر مربوط به زمان‌های گذشته باشد، بشود. به همین لحاظ بعضی از قضات به مرور زمان‌های مبتنی بر قانون اعتنا نمی‌کردند اما اگر مرور زمان شرطی از قرارداد بین دو طرف باشد و طرفین با امضای خود آن را از قبل پذیرفته باشند در دادگاه مسموع است.

همانطور که اشاره کردیم مرور زمان یک تأسیس حقوقی است و شناخت کافی از آن مستلزم توجه به مباحثی از جمله مدت مرور زمان، مبدأ مرور زمان، امکانات قطع مرور زمان و نظایر آنها می‌باشد که از موضوع بحث ما خارج است. در اینجا بهتر است به یک مطلب از مسائل حقوقی مرور زمان هم اشاره کنیم و آن اینکه مرور زمان وسیله‌ای است که می‌تواند مورد استفاده یکی از طرفین دعوا قرار گیرد و این استفاده اختیاری است

■ در بیمه‌های عمر که شخص یا اشخاص ذینفع از حق خود مطلع نشده‌اند و یا تشخیص داده نشده‌اند توسل به مرور زمان دور از انصاف است

مسئول خسارات وارده در مراحل اولیه مشخص نمی‌شود. تشخیص مسئولیت بایستی توسط کارشناسان فنی صورت گیرد و بخصوص در حوادث دریایی رسیدگی کارشناسان مستلزم زمانی طولانی است. آیا اینگونه تأخیر می‌تواند با مشکل مرور زمان مواجه شود؟

به نظر می‌رسد که با استفاده از تفسیری که از عبارت «حادثه منشأ دعوی» کردیم می‌توان به این سوالات پاسخ مناسبی داد که شاید هم مورد قبول بیمه‌گران نباشد اما متضمن حقیقت و موافق فلسفه و جودی بیمه است.

توضیح اینکه در بیمه‌های متداول مثل حریق و زلزله این بیمه‌گذار است که ادعای خسارت می‌کند و در مقابل او استناد به مرور زمان قانونی و یا قراردادی محل ایراد نیست. اما در بیمه‌های عمر که شخص یا اشخاص ذینفع از حق خود مطلع نشده‌اند و یا تشخیص داده نشده‌اند توسط به مرور زمان دور از انصاف است.

همچنین در بیمه‌های مسئولیت به فرض وقوع حادثه منشأ خسارت برای شخص ثالث، تا زمانی که شخص ثالث به بیمه‌گذار مراجعه و

شرط مرور زمان که در قرارداد بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار قید و توافق شده است برای بازماندگان یک بیمه شده عمر و یا از لحاظ افراد زیان دیده در کارگاه یک پیمانکار هم معتبر است؟ قاعدتاً پاسخ این سوال مثبت است زیرا بازماندگان پس از فوت یک بیمه شده عمر یا حادثه باید به بیمه‌گر مراجعه و مطالبه سرمایه بیمه را کنند و تاخیر آنها با مسئله مرور زمان مواجه می‌شود. هم‌چنین افراد زیان دیده از فعالیت یک پیمانکار و یا یک تصادف اتومبیل یا کشتی یا هواپیما که دارای بیمه مسئولیت می‌باشد می‌توانند به عامل زیان که همان بیمه‌گذار است مراجعه کنند و بیمه‌گذار نیز مراتب را به بیمه‌گر اعلام نماید. تاخیر در این اعلام موجب طرح مسئله مرور زمان می‌شود.

اما مطلب به این سادگی نیست. مواردی هست که حق بیمه‌گر را در استناد به مرور زمان مورد تردید قرار می‌دهد که به بعضی از این موارد اشاره می‌کنیم:

۱. در بیمه عمر و یا حادثه و یا حتی در بیمه درمان ممکن است اولاً افراد ذینفع که حق دریافت سرمایه بیمه و یا هزینه‌های انجام شده را دارند از وجود قرارداد بیمه مطلع نباشند و اگر مرور زمان مانع از استیفای حقوق این اشخاص شود دور از انصاف و حتی دور از ضوابط بیمه‌ای و مغایر با فلسفه و جودی بیمه است. حتی ممکن است تا مدتی پس از زمان فوت بیمه شده افراد ذینفع از بیمه مشخص نباشند و یا حتی تشخیص بازمانده ذی حق بایستی توسط مراجع ذیربط و یا مراجع قضائی به عمل آید و بر حسب مورد تشریفات این امر مستلزم زمانی کوتاه و یا طولانی است. بنابراین آیا اگر کسی پس از گذشتن دوسال به عنوان ذینفع شناخته شد نمی‌تواند به بیمه‌گر مراجعه نماید؟

۲. در بیمه‌های مسئولیت که معمولاً بین بیمه‌گر و صاحبان فعالیت‌های مختلف منعقد می‌شود ذینفع اشخاص ثالث هستند. اگر شخص ثالث زیان دیده به هر علتی با تأخیر به بیمه‌گذار مسئول زیان مراجعه نمایند آیا بیمه‌گر می‌تواند به شرط مرور زمان استناد کند؟ حتی در مواردی مسئولیت بیمه‌گذار پس از انجام رسیدگی‌هایی از طرف مراجع ذیصلاح و یا پس از صدور حکم قضایی مشخص می‌شود و قبل از آن بیمه‌گذار از اینکه مسئول زیان است و یا اینکه مسئول زیان شناخته خواهد شد اطلاع ندارد و یا تردید دارد. آیا تاخیر حاصل از رسیدگی‌های اداری و قضایی می‌تواند بهانه‌ای برای استفاده از شرط مرور زمان شود؟

به طور مثال کارگری در محل کارگاه یک پیمانکار دچار حادثه و صدمه سختی می‌شود. این کارگر برای مطالبه خسارت خود به کارفرما مراجعه می‌کند و کارفرما پس از سلسله اقدامات قضایی عدم مسئولیت خود را ثابت و مسئولیت را متوجه پیمانکار اعلام می‌نماید. به این جهت کارگر به پیمانکار که صاحب بیمه مسئولیت است مراجعه و حکم مرجع قضایی را ارائه می‌کند. آیا در اینجا مرور زمان می‌تواند مانع از احقاق حق کارگر شود؟ آیا پیمانکاری که متوجه مسئولیت خود نبوده است با وجود داشتن بیمه مسئولیت باید خود خسارت کارگر را جبران کند؟

۳. در حوادثی مانند تصادفات وسایل نقلیه زمینی و یا دریایی بعضاً

مطالبه خسارت نکند او نمی‌تواند به بیمه‌گر اعلام خسارت نماید چه بسا زیان دیده از خسارت خود صرف‌نظر کند و یا خسارت او از محل دیگری تأمین شود. آیا بیمه‌گذاری که از او خسارتی مطالبه نشده است و یا حتی از وجود خسارت به علت عدم مراجعه مطلع نبوده است با وجود داشتن بیمه‌نامه مسئولیت باید خسارت زیان دیده را خود بپردازد و در اثر تحقق مرور زمان از دریافت خسارت از شرکت بیمه محروم شود؟

بنابراین اگر قبول کنیم که «حادثه منشأ دعوی» در بیمه‌های اشخاص و بیمه‌های مسئولیت تاریخ مطالبه ذینفع می‌باشد مسئله بترتیبی حل خواهد شد که حتی از کسی ضایع نگردد. در بیمه‌های اشخاص حادثه منشأ دعوی اثبات حق ذینفع و در بیمه‌های مسئولیت مطالبه خسارت از بیمه‌گذار می‌باشد.

این مطلب را نیز اشاره کنیم که در بعضی از بیمه‌های مسئولیت اجباری، زیان دیده بموجب قانون خاص حق مراجعه مستقیم به بیمه‌گر را دارد. در مورد اینگونه زیان دیدگان احتمالاً استناد به مرور زمان اساس منطقی دارد و بخصوص اگر در قانون ذکر شده باشد، قابل اجرا خواهد بود. در این صورت «حادثه منشأ دعوی» همان زمان تصادف و ورود زیان خواهد بود.

پاورقی:

1- "A Handbook to Marine Insurance", London 1982, p.401.

اصطلاحات مفاهیم بیمه‌ای